

انتخاب درست هدفها

یکی از مواردی که در برنامه ریزیها و اتخاذ سیاستهای توسعه باید سخت مورد توجه قرار گیرد، انتخاب درست هدفها و جهت گیریهای توسعه کشور در بلند مدت می باشد. در روند برنامه ریزی کشور اهم از دراز مدت و کوتاه مدت ترتیب درست بخشها بر اساس اهمیت و در واقع تشخیص درست اولویتها بسیار مهم می باشد. مثلا اولویت دادن به اموری که نقش زیربنایی دارند و بخشهای دیگر از آنها تأثیر می پذیرند باید همیشه مورد توجه باشد و اولویت و بهادادن به آنها در مراحل تنظیم و اجرای برنامه ها و تخصیص بودجه نیز باید مد نظر قرار داشته باشد. بعنوان مثال بخش های آموزش و پرورش و آموزش عالی و تحقیقات کشور در تمام مراحل با توجه به نقش زیربنایی آنها همیشه می بایست در رأس امور دستگاه برنامه ریزی کشور قرار داشته باشند. چرا که تربیت نسل آینده و در حقیقت تمام جامعه فردای کشور بعهده دستگاههای مسئول آنها بوده و اینها هستند که می توانند زیربنای جامعه فردا را قوی و مقتدر سازند یا اینکه بنیانی شست و ضعیف را پایه ریزی کنند و به هرگونه که عمل نمایند تأثیر آن مستقیم و غیرمستقیم بر روی تمام بخشهای کشور و آینده آن متبلور خواهد بود. لذا کشورها عمدتاً به این مسئله واقفند و بخصوص کشورهای باصطلاح پیشرفته اهمیت خاصی برای آنها قائل بوده و نتیجه این توجه را نیز به شکل کسب برتریهای علمی و تکنیکی در جهان جهت ادامه سيطرة ظالمانه خودمی بینند و بالعکس کشورهای جهان سوم که باعتبار

۳

# ساختار نظام اجرائی کشور

محمد رضا حافظ نیا

عقب ماندگی می بایست بیش از آنها به این امر خطیر توجه نمایند، متأسفانه به آن کم توجهی نموده و آموزش و تحقیقات نیمه جان آنها نمی تواند زیربنای قوی و محکمی را برای فراهم شدن زمینه رشد و خودکفایی علمی و تکنیکی و طبعاً اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی پایه ریزی نماید. سایه چنین تصور و نگرش نامناسبی متأسفانه بر آموزش و پرورش و آموزش محالی و بخش تحقیقات علمی کشور ما نیز افکنده شده بود و در حال حاضر نیز به نظر می رسد دستگاه برنامه ریز کشور برای آنها اولویت و اهمیت خاصی قائل نمی باشد و این خطری است که آثار سوء ناشی از استمرار چنین نگرشی در آینده متبلور گردیده و باعث عقب نگهداشتن کشور از قافله علم و تکنولوژی جهان معاصر و ادامه وابستگی کشور خواهد گردید.

البته در روند برنامه ریزی مربوط به هر بخش، هم دستگاه مربوطه مسئول هست و هم دستگاه برنامه ریز کشور چرا که هر

دستگاهی بطور جداگانه برای حرکت در مسیر حصول به هدفهای مربوطه باید برنامه های توسعه خود را تدوین و تنظیم نماید و دستگاه برنامه ریز کشور وظیفه هماهنگ کردن برنامه های بخشها از یک طرف و همسو کردن آنها با جهت گیریها و هدفهای کلی توسعه فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی کشور از طرف دیگر را بعهده دارد منتها دستگاه برنامه ریز کشور (وزارت برنامه و بودجه) می بایست نقش خود را بعنوان موتور محرکه ای برای کلیه دستگاههای اجرایی انجام داده و هدایت و رهبری و دمیدن روح برنامه ریزی در درون دستگاهها را بعهده داشته باشد و زمانی قادر به اینکار خواهد بود که خودش از جهت مدیریت و نیروی انسانی و ساختار سازمانی و غیره از پویایی و کیفیت لازم برخوردار باشد. بررسی وضعیت فعلی این دستگاه مهم و سرنوشت ساز کشور نشان می دهد که در حال حاضر از چنین قدرت لازمی برخوردار نبوده و بیشتر به صورت

دستگاه بودجه ریز و روزگذران و عمدتاً به صورت انفعالی عمل می‌نماید و دستگاههای اجرایی کشور متأسفانه بدون برنامه مشخص و گاهی در حال تغییر با تغییر مدیریتتها که خود یکی از معضلات دستگاههای اجرایی است اقدام می‌نمایند.

### سیاستگذاران برنامه‌های توسعه کشور

نکته دیگر در مجموعه برنامه ریزی کشور نیروی انسانی سیاست گذار برنامه‌های توسعه کشور است که اگر چه معدودی از برادران متعهد و دلسوز جذب آن شده‌اند ولی عمدتاً از کادרהای قدیمی بوده و کمتر واقعیات جامعه ما را درک کرده‌اند و در قالب ذهنیات مجزاً از واقعیهتهای جغرافیائی- فرهنگی- روحی- اجتماعی- اقتصادی و طبیعی مناطق مختلف کشور به تحلیل نشسته و برنامه می‌دهند. زمانیکه انسان در متن واقعیهتهای جامعه خود نباشد و بخواهد براساس یک سری ذهنیهتهای دریافت شده از متن واقعیهتها و ارزشهای جوامع دیگر برنامه ریزی کند مطمئناً مطلوب و مناسب نخواهد بود مثلاً اگر برنامه ریزی روستائی کشور در دست کسانی باشد که واقیعت روستا و روستائین ایران را نشناخته و درک نکرده باشند مسلماً برنامه‌های تدوین شده عمرانی روستا بجای اثر مثبت تاثیر منفی از خود بجا می‌گذارد، حمام ساخته شده است اما بدلیل شرایط خاص فرهنگی استفاده نمی‌گردد خانه‌های بتون آرمه قالبی برای مردم زلزله زده ایجاد گردیده است اما با استقبال روبرو نمی‌شود، خدمات عمرانی به بعضی روستاها داده شده است اما با استقبال روبرو نمی‌شود، خدمات عمرانی

به بعضی روستاها داده شده است اما مردم به جای ماندن در آن، حرکت به شهرها را ترجیح می‌دهند.

مثال دیگر در این زمینه برنامه ریزیهای شهری است که برای آنها طرح جامع توسعه تهیه می‌شود اما بوضوح مشاهده می‌گردد که طرح از ارزشهای جوامع دیگر که با جامعه ما تناسب ندارد رنگ گرفته است.

و مثال دیگر در این زمینه اینست که در مناطق آب و هوائی مختلف کشور یک نوع مسکن تأیید و تأکید و ساخته می‌شود و متأسفانه عموماً برای آب و هوای متوع خاص کشور ما مسکن متناسب با آب و هوای معتدل اروپا و آن هم با زبان تخصص تشویق می‌شده است تا به وسایل تهویه زمستانی و تابستانی نیاز باشد و کشور همچنان بعنوان مصرف کننده کالاهای بئجل کشورهای صنعتی و جهان استکباری باقی بماند و در زمستان وسایل گرم کننده فراوان و در تابستان وسایل سرد کننده فراوان بکار گرفته شود و همه اش هم از ژاپن- اروپا- آمریکا و غیره بیاید چرا که آنها به نفت نیاز دارند و به بازار فروش فرآورده‌های صنعتی خود و رونق آن!! و جالب اینجاست که هنرمندان و معماران قدیمی کشور ما شعورشان از دید تخصص واقعی در انتخاب نوع مسکن در مناطق مختلف، به مراتب از متجددین دانشگاه دیده و متخصصین غرب زده که هنوز هم متأسفانه بعضی از سنگرهای سیاست گذاری توسعه مسکن و نیز سنگرهای علمی کشور را در این زمینه در دست دارند، بالاتر بوده و خوشبختانه علم روز هم این امر را تأیید می‌نماید. به هرحال

در زمینه تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه، در دستگاههای قدیمی و در بخشهای مختلف مسکن- کشاورزی- صنعت و غیره ما عمدتاً شاهد بیگانگی برنامه ریزان از واقعیهتهای جامعه خودمان بوده‌ایم و این نقص مهمی است در نهادهای برنامه‌ای دستگاههای اجرایی قدیمی کشور و بویژه دستگاه برنامه ریز بعنوان مرکزیت فرماندهی و هدایت برنامه‌های توسعه کشور، که چاره‌اندیشی برای آن از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد.

### ناهماهنگی در برنامه‌های دستگاه‌های مختلف کشور

مسئله دیگر در برنامه ریزی‌های توسعه کشور می‌تواند ناهماهنگی برنامه‌های دستگاههای مختلف باشد به این معنی که هیچ دستگاهی به طور مجرد نمی‌تواند برنامه ریزی نماید، بدلیل اینکه فعالیت همه دستگاهها به نوعی به یکدیگر وابسته بوده و جزو یک منظومه به حساب می‌آیند و لذا باید هماهنگی لازم در تدوین برنامه‌ها بین آنها وجود داشته باشد و یکی از موارد مهم فلسفه وجودی دستگاه مرکزی برنامه ریزی کشور همین امر می‌باشد. در صورتیکه دستگاهها گاهی بدون هماهنگی با یکدیگر برای خود برنامه تنظیم می‌کنند و مستقلاً راهی را انتخاب و ادامه می‌دهند و معلوم است که نتیجه چنین وضعی چه خواهد بود. در چنین حالتی ضعیف برخورد کردن وزارت برنامه و بودجه و یا مرکز فرماندهی برنامه ریزی کشور می‌تواند یک علت و باعث عمده آن باشد و مسلماً باید وزارتخانه‌ها و دستگاهها برنامه‌های خود را در ارتباط و براساس نیازهای دستگاههای

دیگر و سایر بخشهای جامعه و نیز نیازمندی خودشان به سایر دستگاهها تدوین و تنظیم نمایند.

به عنوان مثال وزارت فرهنگ و آموزش عالی که می بایست نیروی انسانی مورد نیاز سایر دستگاههای دولتی و نیز بخش خصوصی در کشور را تربیت نماید و ضرورت دارد برنامه های خود را متناسب با نیاز آنها از جهت کمی و کیفی و متناسب با نیاز مناطق مختلف و متنوع کشور تنظیم کند متأسفانه دارای چنین وضعیتی نیست. فرضاً تربیت معلم از جهت کمی و کیفی با نیاز وزارت آموزش و پرورش چندان تناسبی ندارد. تربیت شدگان دانشگاهها کمتر با واقعیات جامعه ما تناسب دارند. در رشته های تحصیلی که کار عملی جزو ذاتشان است (رشته های فنی و مهندسی و کشاورزی) متأسفانه لوکس پروری در دانشگاهها مرسوم می باشد. ضوابط پذیرش دانشجویان و کتب بگونه ای است که نیازهای منطقه ای کشور کمتر مطرح بوده و از این بابت مناطق دور افتاده و محروم کشور با این روال کنکور بیش از پیش از محرومیت نیروی انسانی متخصص (معلم، پزشک، مهندس و غیره) رنج می برند و آنچنان وزارتخانه بی تفاوت نسبت به این امر مهم کشور بوده که کار بجائی می رسد که نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی وقت پرارزش خود را که باید به امور اساسی کشور اختصاص دهند صرف وادار کردن وزارت فرهنگ و آموزش عالی جهت پذیرش دانشجوی پزشکی برای مناطق محروم کشور می کنند. در صورتیکه این چنین مسائل روشن و بدیهی را باید خود وزارتخانه مربوط حل و فصل کند والبته بعید نیست که وجود

نیروی انسانی موصوف در سطور قبلی که سنگر برنامه ریزیهای اینگونه امور را در اختیار دارند در این روند نامطلوب تأثیر گذارد. از طرفی دیگر بررسی آثار سوء این روش پذیرش دانشجو در زمینه افزایش محرومیت فرهنگی مناطق کشور، پالایش نیروهای حزب الله، افتادن سنگر علم و تخصص کشور به دست افرادی که بالقوه دارای زمینه نا مانوس با حقیقت جامعه اسلامی و انقلابی می باشند خود بحث جداگانه است که در این مقوله نمی گنجد. وزارت آموزش و پرورش نیز باید برنامه های کمی و کیفی خود را با هماهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سایر وزارتخانه های ذیربط تنظیم نماید. بطور کلی هماهنگی و متناسب شدن برنامه های وزارتخانه ها و سازمانهای مختلف کشور با یکدیگر بسیار ضروری می باشد و وزارت برنامه بودجه بایستی بوجود آورنده این امر مهم باشد و بین وزارت فرهنگ و آموزش عالی با وزارتخانه های مختلف در ارتباط با بخش دولتی و نیز بخش خصوصی هماهنگی برنامه ای بعمل آورد و تمام وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی و نهادهای را بصورت مجموعه ای منظومه وار و نظام یافته با جهت گیریهای توسعه کشور همسو نماید. چرا که اگر چنین نشود هر دستگاهی راه خود را در پیش گرفته و جدای از دیگران برنامه خواهد داشت و کشور دچار هرج و مرج برنامه ای خواهد گردید و وقتی چنین شد انتظار توسعه در ابعاد مختلف فرهنگی - اقتصادی - اجتماعی چیز بی معنی و مفهومی خواهد بود و امکانات و نیروها و سرمایه ها را ضایع خواهد کرد و نا گفته نماند

که از گذشته کشور ما دچار چنین وضعیتی نامطلوب و ناهنجاری می باشد و متأسفانه هنوز هم بطور کامل به آن خاتمه داده نشده است.

### استقلال فعالیتهای برنامه ریزی کشور

نکته دیگر اینکه در رژیم طاغوتی گذشته سایه شوم استعمار بر تمام فعالیتهای برنامه ریزی کشور سایه انداخته بود و کشور را به سوی هر چه وابسته تر کردن به خارج و قدرتهای ستارگ جهانی هدایت می کرد و در این زمینه شواهد و نمونه ها، فراوان موجود است. به عنوان مثال گسترش صنایع مونتاژ تخریب روستا و بهره برداری از معادن جهت خروج از کشور و باز گرداندن آن بعد از انجام تغییرات لازم جهت کاربرد در صنایع مونتاژ. توسعه نایسامان شهرها. متکی کردن اقتصاد کشور بر روی ارز حاصل از نفت و موارد متعدد دیگر را می توان ذکر کرد که هر کدام جای بحث جداگانه دارد. در صورتیکه امروز با توجه به هدفهای مقدس انقلاب اسلامی باید برنامه ریزیهای توسعه در جهت هر چه خود کفتر کردن کشور و قطع وابستگی ها و تکیه بر سرمایه های فکری - انسانی و اقتصادی داخلی تنظیم گردند و تکنولوژی پیشرفته با احتیاط لازم در مسیر توسعه کشور بکار گرفته شود. و از این رو، در نگرشها و روشها و قالبهای مربوط به برنامه ریزی در کشور که استمرار گذشته باشد باید شک کرد و احتیاط لازم به خرج داد تا مبادا برنامه ریزیها و برنامه های نشأت گرفته از سیاستهای استعماری و نگرشهای غیر متناسب با شرایط جامعه ما و

نامتناسب با هدفهای مقدس نظام اسلامی در کشور ما همچنان دارای ارزش و اعتبار بوده و مقبول واقع شود.

ناگفته نماند همان طور که قبلاً ذکر گردید نتایج عملی برنامه ریزیها با زمان تدوین برنامهها فاصله زیاد دارد و اگر حواس مسئولین جمع نباشد و دست اندرکاران برنامه ریزی کشور مراقبت ننمایند ممکن است خدای ناکرده افکار رنگ گرفته از فرهنگهای دیگر و قالب گیری

شده، گرچه مخالفتی با نظام اسلامی نداشته باشند، براساس همان بینش نامطلوب و نامتناسب خود برنامههایی را ارائه نمایند که آثار سوئی را بعدها از خود بجا گذارد و در ارتباط با غرض و رزان به نظام اسلامی و انقلابی در دستگانهایی برنامه ریزی کشور نیز نباید غافل بود، چرا که نور چشمیهای رژیم گذشته عمدتاً جذب این دستگاه حساس کشور می شدند و بعید نیست که پس مانده های آنان هنوز حضور

فعال داشته باشند و با زرنگی های خاصی که ممکن است داشته باشند، از پشت به نظام نوپای اسلامی ضربه بزنند و باید هوشیار بود که تپه و تندوبین برنامه های فریبنده ولی بظاهر مطلوب که در مقام اجرا نتیجه عکس داده و بجای پیشرفت و ترقی و حل مسائل، عقب افتادگی و تأخیر و افزایش مشکلات در کشور را باعث می گردند از مهارتهای چنین افرادی در سازمان برنامه ریزی کشور می تواند باشد.

ادامه دارد

### بقیه از اهمیت پیا داشتن نماز

فضیلت آن می خواند، در خوف و وحشت است، ولی اگر نماز را در وقت فضیلت نخواند، شیطان جرئت فریب دادن او را پیدا نموده و او را به ارتکاب گناهان کبیره وامی دارد.

منظور از شیطان، چه نفس اماره انسان باشد، یا خود شیطان فرد و جامعه ای که مراعات اوقات فضیلت نمازهای پنجگانه را بنماید، شیطان از آن فرد و جامعه ترسناک و گریزان است و طمعی در گمراهی وی نمی کند و گرنه از راه کم توجهی به وقت نماز در او نفوذ نموده و بروی چیره می گردد.

نماز جمعه نیز یکی از آن نمازهایی است که شیاطین و حتی شیطان بزرگ [آمریکا] از آن وحشت دارد زیرا این اجتماعات بزرگ نمازهای جمعه است که بینش مذهبی و سیاسی و شور و حماسه انقلابی مردم را تقویت کرده و فریاد رسای مرگ بر امریکای آنان، لرزه بر اندام شیطان بزرگ می افکند. بنابراین باید قدر این نمازهای جمعه را بدانید و برای آن اهمیت فراوان قائل باشید و شرکت در نمازهای جمعه را بر کارهای دیگر ترجیح دهید. خداوند همه را از نماز گزاران واقعی قرار دهد.

- ۱- سوره لقمان، آیه ۱۷.
- ۲- سوره ابراهیم، آیه ۴۰.
- ۳- سوره یونس، آیه ۸۷.
- ۴- سوره مریم، آیه ۵۵.
- ۵- سوره آل عمران، آیه ۳۹.
- ۶- سوره مریم، آیه ۳۱.
- ۷- سوره آل عمران، آیه ۱۹.
- ۸- اعلی صدوق، ص ۲۹۰.

### بقیه از منتهای اجتماعی جزیره العرب

۱۷- در حدیث است که صمصم بن ناجیه بن عقال به نزد رسول خدا (ص) آمده و عرض کرد: من در زمان جاهلیت عمل صالحی انجام داده ام آیا برای من اکنون سودی دارد؟ و چون رسول خدا (ص) سؤال کرد چه عملی انجام داده ای داستانی نقل کرد که خلاصه اش آن بود که من در آنروزگار دوشتر گم کردم و بدنیاال آنها در بیابان می گشتم و به چادری برخوردیم که پیرمردی در کنار آن نشسته بود و چون سراغ شترانم را از او گرفتم گفت: نزد ما است و من نزد او نشستم تا شترانم را بیاورند که در این وقت پیرزنی از خیمه بیرون آمد و آن مرد بدو گفت:

چه زانیده؟ اگر پسر است که در مال ما شریک است! و اگر دختر است که او را دفن کنیم؟ پیرزن گفت: دختر است، من که این سخن را شنیدم به آن مرد گفتم: آیا این دختر را به من می فروشی؟

پیر مرد گفت: مگر عرب فرزندی خود را می فروشد؟

گفتم: من حیات و زندگی او را می خرم، نه خود او را!

گفت: به چند میخوری؟ گفتم: خودت بگو. گفت: به دوشتر ماده و یک شتر نر! من پذیرفتم و آن دختر را خریدم و پس از آن نیز این کار شیوه من بود، و بدین ترتیب دوست و هشتاد دختر را که می خواستند زنده بگور کنند خریداری کردم و از مرگ نجات دادم...

۱۸- شمس جمع احسن به معنای متصلب و سخت کوش در دین است، و چون قریش خود را این چنین می پنداشتند این نام را بر خود نهاده و خود را اهل حمس می دانستند.

۱۹- در پاورقی سیره ابن هشام (ج ۱ ص ۲۰۲) در ذیل این داستان از برخی نقل کرده که رسول خدا (ص) از آن زن خواستگاری کرد و چون به آنحضرت گفتند که او زن متکبره ای است آنحضرت از ازدواج با او صرف نظر کرد... و سپس در صدد توجیه بر آمده که بهتر است خودتان در آن کتاب مطالعه کنید و ما را از ادامه این گفتار معذور دارید!